

گرد شهر با چراغ

در مبانی انسان‌شناسی

با تجدید نظر

محمود روح‌الامینی

روح الامینی، محمود، ۱۳۰۷-

گردشهریاچراغ در مبانی انسانشناسی/محمود روح الامینی - [ویرایش ۲] -

تهران: عطار، ۱۳۸۲.

۲۸۸ص.

ISBN : 978-964-6210-23-6

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه.

۱ انسان شناسی - الف . عنوان . ب . عنوان : مبانی انسان شناسی .

۳۰۱

GN ۲۵ / ر ۴

۱۳۸۲

۳۳۹۹ - ۸۲ م

کتابخانه ملی ایران



انتشارات عطار - تهران: میدان انقلاب - خیابان اردیبهشت

فکس: ۶۶۴۰۹۳۲۳ - تلفن: ۶۶۹۶۴۲۳۷

گردشهریاچراغ در مبانی انسان شناسی

دکتر محمود روح الامینی

چاپ پانزدهم: ۱۳۸۹ تهران

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: چاپخانه مهدی

قیمت: ۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۲۱۰-۲۳-۶ ISBN: 978-964-6210-23-6

فهرست مطالب

۹ اشاره
۱۱ پیش‌گفتار چاپ سوم
۱۷ پیش‌گفتار چاپ اول
۲۱ فصل اول
۲۱ انسان و زندگی انسان
۲۱ □ منشاء انسان، پرستی همیشگی
۲۶ □ زندگی اجتماعی، پرستی دیگر
۲۹ ● دامپروری و کشاورزی
۳۲ ● شهرنشینی و «تمدن»
۳۷ فصل دوم
۳۷ فرهنگ
۳۸ □ مفهوم واژه
۴۰ □ تعریف
۴۲ □ ویژگی‌های فرهنگ
۴۵ □ اشاعه فرهنگ
۴۸ □ فرهنگ و قوم‌مداری
۵۲ □ اشاره
۵۵ فصل سوم
۵۵ قلمرو انسان‌شناسی

- ۵۶ مردم‌شناسی و سیر اندیشه آن.
- ۵۸ مردم‌شناسی بدون مردم‌شناس.
- ۶۲ پیشگامان مردم‌شناسی.
- ۶۷ جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی.
- ۷۰ باستان‌شناسی.
- ۷۴ جغرافیای انسانی.
- ۷۷ تاریخ.
- ۸۱ زبان‌شناسی.
- ۸۵ زبان‌شناسی و دبستان ساخت.
- ۸۶ رابطه زبان‌ها با یکدیگر.
- ۸۹ تحول زبان.
- ۹۳ انواع زبان‌ها.
- ۹۴ زبان و خط.
- ۹۸ روان‌شناسی.
- فصل چهارم. ۱۰۵**
- نظریه‌ها و دبستان‌ها در مردم‌شناسی ۱۰۵
- ۱۰۶ دبستان تحول.
- ۱۱۰ دبستان اشاعه.
- ۱۱۳ دبستان بکارایی.
- ۱۱۵ دبستان ساخت یا ساختار.
- فصل پنجم. ۱۱۹**
- انسان‌شناسی جسمانی - زیستی ۱۱۹
- ۱۲۱ انسان ماهر.
- ۱۲۲ انسان راست قامت.
- ۱۲۳ انسان اندیشمند.

- انسان نه آندرتال ۱۲۴
- انسان اندیشمند اندیشمند ۱۲۵
- فصل ششم ۱۳۵
- مردم‌شناسی خانواده و خویشاوندی ۱۳۵
- خانواده ۱۳۷
- خانوار ۱۳۸
- کلان ۱۳۸
- ساخت خویشاوندی و ازدواج ۱۳۹
- برون همسری ۱۴۰
- درون همسری ۱۴۵
- یک همسری ۱۵۶
- چند همسری ۱۵۷
- پدرمکانی و مادرمکانی ۱۶۲
- نسبت و خویشاوندی ۱۶۳
- فصل هفتم ۱۶۹
- مردم‌شناسی اعتقادات دینی ۱۶۹
- موضوع و روش مطالعه ۱۷۱
- منشاء اعتقادات جوامع ابتدایی ۱۷۳
- مانا ۱۷۵
- توتم ۱۷۷
- تابو ۱۷۸
- دین و جادو ۱۷۹
- وجوه ممیزه دین و جادو ۱۸۰
- رابطه دین و جادو ۱۸۱
- وجه مشترک ادیان ۱۸۲

۱۸۹	فصل هشتم
۱۸۹	مردم‌شناسی اقتصادی
۱۹۱	□ سهم زن و مرد در تلاش معاش
۱۹۳	□ تخصص و ایجاد قشر و طبقه
۱۹۸	□ داد و ستد
۲۰۲	□ کولا
۲۰۴	□ بتلاچ
۲۱۳	فصل نهم
۲۱۳	مردم‌شناسی حقوقی
۲۱۵	□ قوانین و مقررات در جوامع اولیه و ابتدایی
۲۲۰	□ پیشگامان مردم‌شناسی حقوقی
۲۲۱	□ جایگاه مقررات سنتی
۲۲۵	فصل دهم
۲۲۵	فولکلور
۲۲۶	□ تعریف و موضوع
۲۲۹	□ تاریخچه
۲۳۱	□ قلمرو
۲۳۳	□ فولکلور و مردم‌شناسی
۲۳۵	پیوست‌ها
۲۳۷	صاحب‌نظران انسان‌شناسی
۲۶۵	فرهنگ لغات و اصطلاحات
۲۸۱	فهرست راهنما

اشاره

در بازبینی این کتاب که بیست و پنج سال از تألیف آن می‌گذرد - متأسفانه - نتوانستم متناسب با دگرگونی‌ها و تحول‌هایی که الزاماً در پدیده‌های فرهنگی و اجتماعی روی می‌دهد و صاحب‌نظران علوم اجتماعی از آوردن آن در درس‌ها و نظریه‌ها غافل نیستند، گامی درخور بردارم.

بحث‌ها و نظریه‌های «تحول» و «اشاعه» که سال‌ها رهنمود ارزشمند پژوهش‌های میدانی بود، در درس‌های امروز - که البته باید فراگرفت - به‌عنوان روش‌های پژوهش دیروز یاد می‌شود.

باید دانست که فراگیری نظریه‌ها، در پژوهش و شناخت، «وسیله» است نه «هدف»؛ به‌گونه‌ای که پاره‌ای از نظر‌ها و نظریه‌ها در زمان مؤلف - یا به‌وسیله مؤلف - تغییر می‌کند و در بسیاری از دانشگاه‌های اروپا، نظریه‌های علوم اجتماعی در مباحث تاریخچه و روش پژوهش تدریس می‌شود.

با تحول و دگرگونی‌های شتابنده واقعیت‌های فرهنگی و اجتماعی امروز، تنها قاعده و نظریه ثابت این است که: «هیچ قاعده و نظریه‌ای ثابت نمی‌ماند». تمثیلی از مثنوی مولوی شاهدهی است گویا و رسا بر واقعیت متغیری که ثابت به‌نظر می‌رسد:

قرن‌ها بگذشت این قرن نوی است ماه آن ماه است و آب آن آب نیست
شد مبدل آب این جو چند بار عکس آن خورشید دادم بسرقرار

پیش‌گفتار چاپ سوم

دوازده سال از تدوین و تألیف کتاب مبانی انسان‌شناسی می‌گذرد. در این مدت درس‌ها و رشته‌انسان‌شناسی و مردم‌شناسی دستخوش حذف و تغییر فراوان بوده است.

توجه به تدریس مردم‌شناسی در ایران، در سال ۱۳۱۳ با درس «علم الاجتماع» در رشته فلسفه دانشکده ادبیات و دانشرای عالی (که در محل فعلی دانشکده علوم اجتماعی قرار داشت) آغاز گردید و در سال ۱۳۱۶ «بنگاه علمی مردم‌شناسی» و «موزه مردم‌شناسی» تأسیس گردید.

در جلسه افتتاحیه بنگاه و موزه مردم‌شناسی، در پنجم دی‌ماه ۱۳۱۶، مرحوم محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) اظهار داشت: «... مردم‌شناسی به شرحی که بیان کردیم از علوم تازه است و می‌توان گفت بیش از صد سال از عمرش نگذشته است و هنوز راه درازی دارد که بپیماید تا به کمال نزدیک شود و طبیعی است که کمال علم مردم‌شناسی کلی، از این راه دست می‌دهد که در هر کشور و میان هر قوم مردم‌شناسی خصوصی آن کشور و آن قوم تنظیم شود و این مسأله ما را متنبه و متوجه می‌کند که ما ایرانی‌ها هم باید به مردم‌شناسان دنیا دستبازی کنیم و می‌توانیم بکنیم (...). و مطمئن باشید که هر یک قدم که در این راه بردارید و یک قلم که بگذارید مقداری به ترقی و

تکمیل علم مردم‌شناسی میهن خود خدمت کرده‌اید.^۱
 در ۱۳۳۶، در دورهٔ لیسانس علوم اجتماعی (که یکی از رشته‌های دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران بود) و در ۱۳۳۷، در دورهٔ فوق‌لیسانس علوم اجتماعی (در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی)، درس‌های مبانی انسان‌شناسی و مردم‌شناسی ایران در برنامه درسی قرار گرفت.
 در نخستین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی سال ۱۳۴۹، در دانشگاه تهران، در پایان سخنم با آرزومندی یادآور شدم: «با وسعت قلمرو تحقیقات مردم‌شناسی در جهان امروز و نیاز فراوان به شناخت حوزه‌های فرهنگی و گروه‌های اجتماعی، باید خاطر نشان ساخت که متأسفانه در کشور ما تدریس و تحقیق مردم‌شناسی در مراحل ابتدایی است. ایجاد دورهٔ لیسانس مردم‌شناسی و تربیت گروه‌های متخصص به منظور تحقیقات مردم‌نگاری و وارد کردن کلیاتی از دانش مردم‌شناسی در برنامه‌های دبیرستان، به منظور آشنا ساختن دانش‌آموزان با مبانی فرهنگی، از موارد ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و کمبود آن بدون شک تقیصه‌ای جدی در خانوادهٔ علوم انسانی و تحقیقات اجتماعی کشور ماست.»^۲

خواسته‌ها و تلاش‌ها جامه عمل پوشید و در سال ۱۳۵۱ دانشکدهٔ علوم اجتماعی در دانشگاه تهران تأسیس و رشته‌های چهارگانهٔ آن، از جمله رشتهٔ انسان‌شناسی، به پایمردی استاد دکتر غلامحسین صدیقی، آغاز به کار کرد^۳ و در سال ۱۳۵۲ فوق‌لیسانس مردم‌شناسی دایر گردید. ولی

- ۱- نقل از مجلهٔ آموزش و پرورش، شمارهٔ ۹، «ویژهٔ مردم‌شناسی»، ۱۳۱۷، صفحهٔ ۲۰.
- ۲- مجموعهٔ سخنرانی‌های نخستین کنگرهٔ تحقیقات ایرانی، مردم‌نگاری و نقش آن در تحقیقات مردم‌شناسی ایران، صفحهٔ ۴۰۳.
- ۳- رشته‌های چهارگانه عبارت بودند از: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی (مردم‌شناسی)، جمعیت‌شناسی و تعاون، که رشته‌های مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی حذف و دو رشته دیگر در گرایش‌ها ادغام گردید.

راستی خاتم فیروزه بواسحتی خوش درخشید ولی دولت متعجل بود. با آنکه فارغ‌التحصیلان انگشت‌شمار این رشته، در دوره فوق‌لیانس، در تبحر و تجربه انگشت‌نما بودند، به‌علت عدم شناخت کارایی و نقش مردم‌شناسی به مصداق «الناس اعداء ماجهولوا» از تخصص آنان استقبالی به‌عمل نیامد و بالاخره در کوششی که در سال ۱۳۶۱ برای کم کردن و محدود نمودن رشته‌ها صورت گرفت؛ قرعۀ فال؛ از جمله به نام مردم‌شناسی زده شد. این نادیده گرفتن تلاش‌ها، عدم توجه نیازمندی‌ها و کارایی‌ها در برنامه تازه، حذف رشته و درس‌های مردم‌شناسی و بالاخره ملاحظۀ عناوین و ترکیب «گرایش‌ها» نمی‌توانست تأثر و سرشکی، از سردرد و دل‌بستگی به همراه نداشته باشد.

سرشکم آمد و عیبم بگفت روی به روی

شکایت از که کنم؛ خانگی است غمازم

بگذریم، از درس‌های رشته مردم‌شناسی پنج درس به صورت پراکنده در گرایش‌ها باقی مانده بود که باز، سه درس آن در تغییری که در سال ۱۳۶۶ در برنامه جامعه‌شناسی داده شد، حذف گردید.

زمین به دوش خود البرز و بیستون دارد

غبار ماست که بر شانه‌اش گران آمد!

هرچند که حمل بر شوخی و مزاح می‌شود ولی می‌توان گفت: گروه انسان‌شناسی و مردم‌شناسی، در برنامه‌ریزی‌ها تبدیل به گروهک مردم‌شناسی شد و با تصویری که در سالهای اخیر از «گروهک» داده می‌شود، همین که بک

۱- در اصلاح برنامه سال ۱۳۶۶ درس‌های انسان‌شناسی زیست‌شناسی، نظام‌های خویشاوندی، مردم‌شناسی ایران حذف، مردم‌شناسی فرهنگی اختیاری گردید و سبانی مردم‌شناسی بدعنوان درس عمومی باقی ماند. این برنامه جدید را همه دانشکده‌ها پذیرفته‌اند. و گویا قرار است دوباره تغییری در آن داده شود.

یا دو درس باقی مانده، جای شکر و امیدواری است.^۱ امروز در کشورهای دیگر مطالعه مردم‌شناسی و تحقیقات ژرفانگر مردم‌نگاری، با وسعت قلمرو و دقت در جزئیات و باریک‌بینی در موضوعات، نه تنها دروس و رشته‌هایی چون انسان‌شناسی جسمانی - زیستی، مردم‌شناسی خانواده و خویشاوندی، مردم‌شناسی اقتصادی^۲، مردم‌شناسی حقوقی^۳، مردم‌شناسی روانشناختی^۴، مردم‌شناسی تاریخی^۵، مردم‌شناسی دینی^۶، مردم‌شناسی زبان‌شناسی^۷، مردم‌شناسی موسیقیایی^۸، مردم‌شناسی هنر^۹ و... در دانشگاهها و مدارس عالی دایر گردیده، بلکه نیاز اجتماعی و کارایی عملی این رشته‌ها در برنامه‌ریزیهای مختلف اجتماعی و فرهنگی نقشی مؤثر برعهده دارد و در بعضی از کشورها مردم‌شناسی کاربردی^{۱۰}، عمیقاً مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است و از شیوه‌های پژوهشی مردم‌شناسی^{۱۱} به مثابه نظریه و دبستانی معتبر در امر تحقیق، استقبال می‌شود. امید است که با شناخت بیشتر و ازدیاد پژوهشگران و متخصصان و فارغ‌التحصیلان مجرب و متبحر، انسان‌شناسی بتواند جایگاه علمی و کاربردی خود را بیابد.

در چاپ سوم، ناگزیر، تغییر و تجدیدنظری در مطالب، بخش‌ها و فصل‌بندی‌ها لازم بود. در این تجدیدنظر به فصل‌های باستان‌شناسی و

۱- می‌گویند مخفی شاعر خوش‌مشرب و بذله‌گوی گیلانی بسیار لاغراندام بود. در جواب کسانی که از علت لاغریش می‌پرسیدند، می‌گفت: با این همه نفرین مردم که می‌گویند: «مخفی نماناد» و آرزوی مرگم را می‌کنند، همین که زنده‌ام جای شکر و امیدواری است.

2- Ethnoeconomie

3- Ethnojuridique

4- Ethnopsychologie

5- Ethnohistorique

6- Ethnoreligion

7- Ethnolinguistique

8- Ethnomusicologie

9- Ethnologie de l'art

10- Ethnologie appliquée

11- Ethnomethodologie

جغرافیای انسانی مطالبی افزوده شد. فصل زبان‌شناسی با تغییرات کلی بازنگری شد و فصل انسان‌شناسی جسمانی - زیستی که در چاپ اول در حد اشاره موضوعی بود، در تجدیدنظر به بحثی پیرامون سیر تحولی و تاریخی انسان، دستاوردها و دیدگاه‌های دیرینه‌شناسان انسانی و انسان‌شناسان زیستی اختصاص یافت.

در پایان این متوله بی‌مناسبت نمی‌دانم که فهرستی از کتابهای مردم‌شناسی فارسی را که به درس مبانی کمک می‌کند و غالب آنها نایاب و نیاز به تجدید چاپ دارد، عرضه بدارم.

- مردم‌شناسی، دکتر علی‌اکبر ترابی استاد دانشگاه تبریز، انتشارات دهخدا، ۱۳۴۹.

- مردم‌شناسی، ژان کازنو، ترجمه دکتر ثریا شیبانی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۹.

- روش مردم‌شناسی، پیرسینه، ترجمه دکتر علی محمد کاردان، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، ۱۳۴۳.

- زمینه انسان‌شناسی، دکتر حسین ادیبی، انتشارات پیام، ۱۳۵۳.

- مقدمه‌ای بر مردم‌شناسی، داگلاس الیور، ترجمه دکتر علی بزرگمهر، نشر چاپخش، ۱۳۵۲.

- تاریخ مردم‌شناسی، ه. ر. هیس، ترجمه ابوالقاسم طاهری، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.

- درآمدی بر انسان‌شناسی (تبار انسان و فرهنگ انسانی)، اولیویا والاوس، ترجمه سعید یوسف، انتشارات سپهر، ۱۳۵۷.

- مردم‌شناسی معاصر، (مجموعه مقالات)، ترجمه دکتر منوچهر کیا، انتشارات شبگیر، ۱۳۵۴.

پیش‌گفتار چاپ اول

این کتاب، که نام خود را از غزل عارفانه مولوی^۱ به عاریت گرفته، نه داعیه آن را دارد که از «دیو و دد ملول» و گریزان است و نه چون «دیو جانس» آنچه یافت می‌نشود جستجو می‌کند، بلکه حاشیه‌ای نارسا بر آهنگ کوشش‌ها و پژوهش‌هایی است که انسان‌شناسی و مردم‌شناسی جامعه ما با کنجکاوی و باریک‌اندیشی در راه شناختن و شناساندن آنست.

آثار ادبی و تاریخی و جغرافیایی و نیز داستان‌ها و افسانه‌های باستانی گویای این کنجکاوی است و سؤال‌هایی بدین‌گونه همواره ذهن انسان را به خود مشغول داشته: منشاء انسان از کجاست؟ رابطه‌اش با حیوانات دیگر چگونه بوده؟ ابزار و ادوات و خوراک و پوشاک به چه نحو پیدا شده؟ رسوم و ضوابط و به‌طور کلی فرهنگ و تمدن از کجا سرچشمه گرفته و چگونه تحول یافته و تفاوت فرهنگ‌ها و تمدن‌ها برای چیست؟

این میل به آگاهی را کتاب‌های دینی و افسانه‌های باستانی برآورده

۱- دی شیخ یا چراغ همی گشت گرد شهر

کز دیر و دد ملول و انسانه آرزوست

گفتم که یافت می‌نشود گشته‌ایم ما

گفت آنچه یافت می‌نشود آنم آرزوست

می‌کرد؛ که با معلومات و امکانات زمان متناسب بود؛ معلوماتی که تاریخ خلقت انسان را دقیقاً تعیین کرده و هر یک از اکتشافات و اختراعات و ضوابط و مقررات را صریحاً به شخصیتی دینی یا اجتماعی و یا سیاسی نسبت داده بود که به مرور «هر که آمد بران مزید کرد تا بدین غایت رسید.» و بدین ترتیب نقطه ابهامی باقی نمی‌گذاشت.

با پیدایش و توسعه اندیشه سیر تدریجی تحول و تکامل یا تطوّر و با دست یافتن به مدارک و اسناد باستان‌شناسی و شواهدی چون بقایای انسان و ابزار و سرانجام با پیشرفت امکانات و وسائل کاوش و پژوهش، افق تازه‌ای در چشم‌انداز این کنجگاو قرار گرفت. و انسانی که زمین ثابت را به حرکت واداشته بود، نمی‌توانست ساکنین آن را نامتغیر بداند و این متغیر دانستن، پرسش‌ها و نکات تاریک و روشن فراوانی را فرا راهش نهاد و هر جا که به کمک چراغ تحقیقات و مدارک خواست بهتر ببیند، پرتو روشنایی‌ها افق ناشناخته دیگری را در مقابل او قرار داد. مشکل می‌توان گفت که بشر «ماه‌نشین» امروز، با همه ابداعات و امکانات، بیشتر از بشر «غبارنشین» دیروز برای معماهای ناشناخته دنیای خود پاسخی یافته باشد. به عبارت دیگر دانش انسان درباره خویش، به قول ابوشکور بلخی بدانجا رسید که بداند که نادان است.

«انسان‌شناسی» و «مردم‌شناسی»، همانطور که از نامشان برمی‌آید، کوششی برای شناخت «انسان» و «مردم» است و در این راه مجموعه علوم و مدارک و شواهد و وسائل و روشها را به یاری می‌طلبند. اگر انسان‌شناسی، که در بعد زمان رد پای کاروان بشریت را در نشیب و فراز ماهورها و بیابان‌های اعصار و قرون می‌جوید، راهی مطمئن به سرمنزل مقصود نبرد، مردم‌شناسی، در بعد مکان به سیر آفاق و انفس می‌پردازد تا جوامع مختلف انسانی را با خصوصیات قومی متمایز، ابزار و ادوات گوناگون قوانین و رسوم متنوع و

زبان و معتقدات متفاوت ملاحظه نماید و رهاورد سفری از میراث فرهنگ‌ها و تمدن‌های معاصر عرضه کند تا بتوان دقیق‌تر و عمیق‌تر نهادها و بنیادهای خانواده بزرگ انسانی را شناخت.

این کتاب تألفی از نظرات و تجارب و تجزیه و تحلیل‌های مختلف دانشمندان انسان‌شناسی و مردم‌شناسی و حاصل یادداشت‌های سال‌ها تحصیل و تحقیق و تدریس است. ده سال تدریس مردم‌شناسی در دانشگاه‌های ایران و فرانسه و توجه به عکس‌العمل‌ها و سؤال‌ها و نقطه‌نظرهای متنوع دانشجویان فرصتی مغتنم و محکی ارزنده بود برای تنظیم مباحث و مطالبی که بتواند جوابگوی پرسش‌ها و کنجکاویهایی متناسب با خصوصیات پرورشی و آموزشی و فرهنگی جامعه ما باشد.

منابع کتاب علاوه بر آثار دانشمندان غرب - که خود را مدیون آن می‌دانم - کتب تاریخی و جغرافیایی و ادبیات غنی فارسی است که خمیرمایه شاهد‌ها، نمونه‌ها، اشاره‌ها و مثل‌ها قرار گرفته است.

مطالب کتاب، به ترتیب اهمیت مسائلی که ذهن را به خود مشغول می‌دارد، شامل رهنمودهایی در کنجکاوی‌های مربوط به منشاء انسان، تدبیر مسکن، تلاش معاش، روش‌های پژوهش، نظریه‌ها و سرانجام حاوی دیباجه‌ای بر مباحث فرهنگ، خانواده، اعتقادات، اقتصاد، مقررات سنتی و فولکلور است. در مباحث مختلف، به مناسبت، گاه عبارت و یا صحنه‌ای چند از صاحب‌نظران مردم‌شناسی، با ذکر مأخذ و منابع، عیناً ترجمه شد تا با آشنایی با شیوه بیان و نحوه تجزیه و تحلیل متخصصین حق مطلب بیشتر ادا شده باشد. ادبیات مردم‌شناسی حاوی لغات و اصطلاحاتی اختصاصی است که طی یک قرن و نیم حیات این علم رواج یافته و ترجمه دقیق بعضی از آنها آسان نیست و گاهی یک اصطلاح چنان جای خود را در زبان فارسی باز کرده که در تفهیم و تفاهم گویاتر از هر لغت معادل است. و از آنجا که در هر حال یک

اصطلاح اختصاصی یا لغت معادل آن نمی‌تواند بیان‌کننده تمامی مفهوم و مقصودی باشد که مورد نظر ادبیات مردم‌شناسی است، در پایان کتاب مجموعه‌ای در توضیح و تعریف لغت‌ها و اصطلاح‌ها بنیانی آمده است. و نیز، با توجه به کمبود منابع و مآخذ فارسی درباره صاحب‌نظران و دانشمندان انسان‌شناسی، به ذکر مختصری در شرح احوال و آثار و نگاه روش آنان، که نامشان در کتاب آمده، مبادرت گردید تا اگر نامی ناآشنا به نظر رسید و یا اگر تلفظ و مفهوم لغت و اصطلاحی در متن روشن نبود بتوان به فرهنگ اسامی و اصطلاحات کتاب مراجعه کرد.